

دانشمندان بزرگ اسلامی و ایرانی، پایه‌گذاران و تدوین‌کنندگان منشور اخلاق پزشکی

فریبرز معطر*، هادی معطر**

* گروه فارماکولوژی، دانشکده‌ی داروسازی و علوم دارویی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

** گروه ژنتیک پزشکی، بیمارستان سنت جرج، لندن، انگلستان

چکیده

دین مبین اسلام اهمیت ویژه‌ای برای نگهداری سلامت جسم و روح انسان قایل است و روایات متعددی در زمینه‌ی پزشکی و حفظ سلامتی از ائمه‌ی اطهار نقل شده است. در گذشته در کلیه‌ی کشورهای اسلامی تنها کسانی می‌توانستند به کسوت محترم پزشکی درآیند که در زمینه‌ی حکمت، الهیات، عرفان و منطق مطالعه و دست داشته و لقب حکیم را احراز کرده بودند. داروپزشکان اسلامی بنیان‌گذاران اخلاق پزشکی در مشرق‌زمین بوده‌اند و خود نیز عامل به‌آن بوده و پیوسته در برخورد با بیماران به مبانی اخلاق پزشکی اسلامی توجه داشته و آنرا به‌طور کامل رعایت می‌نموده‌اند. ابوبکر محمدبن ذکریای رازی در کتاب حاوی و منصور، شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا در قانون، ابوبکر احمد خوینی در هدایه‌المتعلمین و سیداسماعیل جرجانی در ذخیره‌ی خوارزمشاهی و سایر آثار پزشکی و عرفانی خود، به مبحث اخلاق در پزشکی توجه خاص مبذول داشته‌اند. در این مقاله مروری بر نظرات و آراء دانشمندان اسلامی در مورد اخلاق پزشکی خواهیم داشت.

واژگان کلیدی: اخلاق پزشکی، دانشمندان اسلامی و ایرانی

۱. مقدمه

کوشش در نگهداری سلامت جسم و روح او بسیار با اهمیت تلقی شده است و پیامبر گرانقدر در موارد بسیاری دستورات و راهنمایی‌های روشنی برای حفظ سلامتی و رفع بیماری‌های جسمی و روانی انسان‌ها بیان فرموده‌اند که در کتب متعددی که به‌عنوان "طب النبوی" موجود است درج و منتشر شده است. افزون بر این، روایات بسیاری در زمینه‌ی پزشکی و حفظ سلامتی از ائمه‌ی اطهار نقل شده است که فرازهای بی‌نظیری از آن‌ها در نهج‌البلاغه‌ی مولای متقیان و مجموعه‌هایی که به نام طب‌الصادق و طب‌الرضا جمع‌آوری شده است. در کلیه‌ی این آثار توجه به کرامت انسانی و حفظ سلامتی و تندرستی افراد بشر مورد نظر بوده و به آن توجه و توصیه‌ی خاص شده است. پزشکان عظیم‌الشان ایرانی نیز با توجه به تعالیم عالی‌ه‌ی

دین مبین اسلام به‌عنوان هدایت‌کننده و نجات‌دهنده‌ی بشریت از جهل و گمراهی و راهنما جهت رسیدن به کمال معرفت، حق‌بینی و حق‌جویی، بستر مناسبی برای متفکران و اندیشمندان مسلمان فراهم نموده است تا آنها با تمسک و توجه به کلام‌وحی، فرمایشات نبوی‌اکرم و راهنمایی ائمه‌ی اطهار بتوانند، در کلیه‌ی زمینه‌های معارف بشری به بالاترین درجات تعالی رسیده و با درج و انتشار افکار و اندیشه‌های خود، آیندگان را راهنمایی و ارشاد نمایند. یکی از علومی که در اسلام مورد توجه خاص بوده و دانشمندان اسلامی در آن به اوج کمال و پیش‌رسیده‌اند، علم پزشکی می‌باشد. توجه به انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات و

اسلام، مفاهیم فوق‌الذکر را پیوسته در احوال و آثارشان مدّ نظر داشته و به آن عمل نموده‌اند.

۲. بحث

به‌طور کلی باید در نظر داشت که در کلیه‌ی کشورهای اسلامی، فقط کسانی می‌توانستند به کسوت محترم پزشکی درآیند که در زمینه‌ی حکمت، الهیات، عرفان و منطق مطالعه و دست داشته و لقب حکیم را احراز کرده بودند. در حقیقت کلمه‌ی حکیم، که از حکمت مشتق شده است، به‌خوبی گویا و روشن‌نگر رفتار و کردار و سیره‌ی این بزرگان است.

داروپزشکان اسلامی بنیان‌گذاران اخلاق پزشکی در مشرق‌زمین بوده‌اند و خود نیز عامل به‌آن بوده و پیوسته در برخورد با بیماران به مبانی اخلاق پزشکی اسلامی توجه داشته و آن‌را به‌طور کامل رعایت می‌نموده‌اند.

ابوبکر محمدبن زکریای رازی در کتاب حاوی و منصوری، شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا در قانون، ابوبکر احمد خوینی در هدایه المتعلمین و سیداسماعیل جرجانی در ذخیره‌ی خوارزمشاهی و سایر آثار پزشکی و عرفانی خود، به مبحث اخلاق در پزشکی توجه خاص مبذول داشته و پزشکان جوان را در عمل کردن به آن توصیه فرموده‌اند.

رازی به‌خوبی اهمیت توجه به اخلاق پزشکی را در مبحث آموختن و ارزشیابی دانشجویان و مدعیان حرفه‌ی پزشکی بیان نموده و داشتن دانش عمیق نظری و بالینی و بالاخص توان تشخیص افتراقی بسیاری از بیماری‌ها را از جمله شرایط احراز قابلیت برای اشتغال به حرفه‌ی پزشکی دانسته است و به‌خصوص به‌توانمندی پزشکان در درمان بیماری‌ها حتی‌المقدور با استفاده از دارو و قبل از مبادرت به عمل جراحی نظر داشته است.

حکیم بزرگوار جرجانی که به سیدالامام نیز مشهور است، در کتاب خفی علانی منشور اخلاق پزشکی خود را، که در حقیقت شالوده‌ی منشور اخلاق پزشکی اسلامی است، به‌شرح زیر بیان می‌فرماید:

در وصیت‌هایی که طبیب را گوش بدان باید داشت:

"طبیب را که به نزدیک یک بیمار آمد، پس از آن‌که

شرط‌های امانت دینی و شفقت مردمی به‌جای آورده باشد و چشم و گوش و دست و زبان از همه‌ی ناپسندیدنی‌ها نگاه داشته باشد."

در این‌جا به اهمیت پاک و منزّه بودن ظاهر و باطن پزشک هنگام ملاقات بیمار به‌خوبی اشاره شده و تأکید می‌شود، که در هنگام عمل به حرفه‌ی مقدّس پزشکی، طبیب می‌بایستی بدون مشغله‌ی کاری و فکری دیگری بوده و تمام فکر و ذهن او معطوف به بیمار بوده و افزون‌بر این بایستی کاملاً امانت‌دار و رازنگهدار باشد و کاملاً با ملاحظت و مهربانی با بیماران برخورد نماید.

جرجانی سپس اهمیت دانش‌اندوزی و صداقت در علم پزشکی و اهمیت تشخیص بیماری را مورد توجه قرار داده و آن‌را یکی از مهم‌ترین اصول علم پزشکی و عمل به طبابت دانسته است و هنگام حاضرشدن بر بالین بیمار این‌چنین به‌آن تکیه می‌نماید:

"نخست باید نوع بیماری و حقیقت آن‌را بدانند، سپس احوال آن‌روز و روز گذشته بپرسد و بداند که قوت بیمار امروز هم‌چون قوت دیروز هست، یا کم‌تر است یا بیشتر."

توجه ویژه به اطفال و تأمین تندرستی آنان در پزشکی گذشته بسیار مورد توجه بوده و دقت‌نظر در درمان کودکان و خشنود نمودن آن‌ها، از مبانی خاص اخلاق پزشکی شمرده شده است. در این‌مورد جرجانی در منشور اخلاق پزشکی خود با درنظر گرفتن اصول روان‌شناسی کودکان چنین اشاره می‌فرماید:

"و اگر کودک بیمار باشد یا قوت ضعیف باشد و چیزی آرزو کند، متابعت آرزو باید کرد و از آن نوع یا مانند آن چیزی اندک اندک دادن."

مسأله‌ی امیددادن به‌بیمار و دل‌خوش کردن او و پرهیز از ناامیدکردن از درمان و ترساندن بیمار، یکی از ارکان اصلی اخلاق پزشکی در مشرق‌زمین و از ویژگی‌های بارز اخلاق پزشکی در طب اسلامی محسوب می‌شود و خوشبختانه تا به‌امروز هم توسط پزشکان تحصیل کرده در کشور مورد رعایت قرار گرفته است و اصولاً توجه به این امر یکی از وجوه مهم تمایز اخلاق پزشکی شرق و غرب محسوب می‌گردد.

می‌باشد. کلیه‌ی پزشکان اسلامی با تبعیت از کلام قاطع و روشن وحی در آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی اعراف و آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی مائده که اجازه‌ی چنین عملی را به پزشکان نداده است، متفق القول، این کار را نهی کرده و بسیار ناپسند شمرده و پیوسته در آثار مربوط به اخلاق پزشکی و در انجام اعمال تجربی خود به‌طور کلی وظیفه‌ی پزشکان را حفظ و نگهداری از جان آدمی و نه گرفتن جان او دانسته‌اند.

از مسایل دیگری که در پزشکی اسلامی و طب مشرق‌زمین از ارکان بسیار مهم اخلاق پزشکی شمرده شده و به آن توصیه‌ی خاص شده است، مسأله‌ی احترام به استاد و ذکر مأخذ و منابع در نوشتارها بوده است.

احترام به استاد در مکاتب اسلامی، اصلی بدیهی و بسیار مهم بوده و یکی از ویژگی‌های جوامع علمی مشرق‌زمین محسوب شده، و از نکات تمایز جوامع شرقی بر غربی شمرده شده است.

افزون بر این ذکر مراجع و منابع در اکثر آثار دانشمندان گذشته‌ی اسلامی و ایرانی مورد عنایت و دقت خاص بوده است. چنانچه جرجانی در اکثر آثار خود هنگامی که از شیخ‌الرئیس، که به‌طور غیرمستقیم استاد او محسوب می‌شده، نام می‌برد، با احترام تمام جمله‌ی "خواجه ابوعلی سینا رحمه‌الله علیه می‌فرماید" را ذکر می‌نماید.

امید است این اخلاق پسندیده هم‌چنان در جامعه‌ی اسلامی ما محفوظ مانده و تداوم یافته و نسل جوان کشور هم به آن عنایت و عمل خاص داشته باشند.

۴. نتیجه‌گیری

به‌طور کلی توجه به ابعاد مختلف منشور اخلاق پزشکی جرجانی، که در برگزیده‌ی از سیره و عمل اسلاف خود بوده و تأثیرگذاری ویژه‌ای بر دانشمندان و پزشکان بعدی ایرانی و شبه قاره داشته است، به‌خوبی نشان‌دهنده‌ی این نکته می‌باشد که جهت توجه و عمل به حدیث شریف "العلم علمان: علم الابدان و علم الادیان" پزشکان جوان باید کما فی‌السابق خود را به بالاترین صفات انسانی و مکارم اخلاقی آراسته سازند و چون اطباء گذشته به وارستگی کامل رسیده و خود را پاک و منزّه نگاه دارند، و به بیماران به‌چشم آفریدگان مددجوی

جرجانی در منشور خود به این مهم به‌شرح زیر اشاره می‌فرماید:

"و اندر همه‌ی بیماری‌ها، دل‌خوشی بیمار بایست جست و با مراد ایشان بایست ساخت و تدبیر قوت ببايد کرد، به هرچه ممکن گردد، از غم و دل‌ناخوشی دور ببايد داشت، و بعضی را به‌بشارت‌ها و امید و بعضی را به زر و جواهر و غیر آن، و بعضی را به حضور دوست و مونس دل‌خوش باید کرد، تا شاد شود."

مسأله‌ی تداخل اثر داروها با یکدیگر و مضرت احتمالی داروها و بالاخص نقش مهم تغذیه در تأمین سلامتی و بهبودی بیماران که امروزه به‌عنوان یکی از ویژگی‌های پزشکی نوین و غرب قلمداد می‌شود، نکته‌ای بوده است که از بیش از هزارسال قبل توسط دانشمندان بزرگ ایرانی چون رازی، ابن‌سینا و اخوینی مورد توجه بوده، و در منشور اخلاق پزشکی جرجانی به‌شرح زیر بیان می‌گردد:

"طیب تا تواند که علاج به‌غذا کند، به‌دارو مشغول نباید بود و تا تواند که به‌داروی بسیط یعنی ناآمیخته علاج کند، داروی آمیخته نباید داد، و طیب را داروی مجهول (داروی ناشناخته) که مجهولان و پیرزان آزمایشند و حکایت کنند، به‌کار نشاید داشت، و به آن اعتماد نشاید کرد."

از جمله ویژگی‌های اخلاق پزشکی در اسلام توجه و اعتقاد راسخ به قدرت و عظمت پروردگار و خواست و اراده‌ی او در درمان بیماران می‌باشد، و اکثراً پزشکان بزرگ اسلامی از جمله جرجانی به این نکته‌ی مهم توجه داشته و مشیت و اراده‌ی ایزدیکتا را در امر تأثیرگذاری دارو و موفقیت در درمان، مهم‌ترین عامل دانسته و بعد از تشخیص بیماری و تجویز دارو، نسخه‌ی خود را با این جملات تکمیل و خاتمه می‌داده‌اند:

" انشاءالله تعالی، بتوفیق‌الله و حسن معرفته، والله اعلم و احکم، باذن‌الله تبارک و تعالی، بحمدالله و منه، باذن‌الله عزّ و جلّ، تبارک‌الله ربّ‌العالمین و ارحم‌الرحمین، و بالله التّوفیق و الصحّه، و هو حسبی و نعم‌المعین."

از مسایل بسیار مهمی که دارای اهمیت ویژه‌ای در پزشکی اسلامی می‌باشد، مسأله ترخم بی‌جا و تجاوز به حیات دیگران است، که امروزه با اصطلاح اتانازی در پزشکی نوین مطرح

پروردگار نظر نموده و رضای حق تعالی را در کلیه‌ی اعمال و رفتار خود و بر بالین بیمار بر همه چیز برتر شمرند. مسلماً در این صورت لقب شریف حکیم برازننده‌ی آن‌ها بوده و سعادت و کامیابی حقیقی دنیا و آخرت را نصیب خواهند داشت.

منابع

۱. قرآن کریم: ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای، مهدی. انتشارات پیراسته، تهران، ۱۳۸۰.
۲. نهج البلاغه: ترجمه‌ی: شریعت، محمدجواد. انتشارات مشعل، اصفهان، ۱۳۷۵.
۳. ابن سینا، ابوعلی حسین: قانون در طب. ترجمه‌ی: شرفکندی، عبدالرحمن. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۵.
۴. ازرائی، محمداکبر: میزان الطب. انتشارات مؤسسه فرهنگی سماء، قم، ۱۳۸۰.
۵. الاخوانی، ابوبکر ربیع بن احمد: هدایه المتعلمین فی الطب. به کوشش: متینی، جلال. انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۴۴.
۶. جرجانی، سیداسماعیل: الاغراض الطیبیه و المباحث العلائیه. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۵.
۷. جرجانی، سیداسماعیل: ذخیره‌ی خوارزمشاهی (چاپ عکسی از روی نسخه‌ی خطی). انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۵.
۸. جرجانی، سیداسماعیل: خفی علائی. به کوشش: ولایتی علی اکبر؛ نجم‌آبادی، محمود. انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۹.
۹. چغمینی، محمودبن محمد: قانونچه. ترجمه و تحشیه‌ی: میر، محمدتقی. انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز، ۱۳۵۰.
۱۰. رازی، ابوبکر محمدبن زکریا: الحاوی فی الطب. انتشارات دایره‌المعارف عثمانیه، دکن، ۱۹۷۱.